



« کاری از موسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت »



خطبه‌ای به طلبه‌های حوزه علمیه در نجف اشرف و در قم و در هر منطقه‌ای از زمین
(۸ ربیع‌الثانی ۱۴۲۶ ه. ق.)

بسم الله الرحمن الرحيم

نسبت به بلای خداوند و نعمت‌های بزرگش، ستایش برای خداوند است.

«وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّاي رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ أَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (اعراف ۱۶۴، ۱۶۵) «و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد، و شاید که آنان پرهیزگاری کنند.» پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم.»

به طلبه‌های حوزه علمیه در نجف اشرف و در قم و در هر منطقه‌ای از زمین!

با خودتان انصاف داشته باشید و دل‌هایتان را به حکمت، نرم کنید. و در سخنم، تدبر منصفانه کنید. و با محمد (ص) قطع رَحِم نکنید. چرا که به عرش آویخته است و می‌گوید: پروردگارا! با فردی که به من وصل شد، وصل شو و با فردی که از من قطع شد، قطع شو.

به کدامیک از ثقلینِ هدایت چنگ زدید: آیا به قرآن یا به عترت؟! آیا از خودتان پرسیدید؟ قرآن را که پشت سرتان انداختید و آن را در میزان و ملاک خودتان، پست‌ترین مسئله قرار دادید. اما عترت را که حکمت یمانی و روایات ربّانی‌اش (است) مانند خاروخاشاک، به باد هوا دادید. در نتیجه مسئله‌ای را پذیرفتید که با هواهای شما موافقت دارد؛ هرچند راویانش اندک باشد. و مسئله‌ای که با نظرات شما مخالفت دارد، دور انداختید؛ هرچند که از ایشان (ع) متواتر باشد. می‌گویید: روایاتی که مرا توصیف نمودند، حجت نیستند. و وصیت رسول الله (ص) و امامان، به من و به مهدیین، حجت نیستند. و شناخت قرآن و راه‌های آسمان‌ها، حجت نیستند. چقدر محمد (ص) و قرآن و عترت، در میزان و ملاک شما، پست و خوار است. و چقدر نزد عقل‌تان خوار است.

حق را به شما می‌گویم: در تورات نگاشته شده است: «با تمام قلبت، به من توکل کن و به فهم خودت، تکیه نکن. در هر راهی، مرا بشناس و من راهت را استوار می‌کنم. خودت را حکیم نشمار. به من احترام بگذار و خودت را با سخنم مودّب کن.» و در قرآن است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت ۶۹) «و کسانی که در

راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است.»

می‌گویید: ما شهادت و گواهی، دو فرد عادل را می‌پذیریم. آگاه باشید که خداوند، به من شهادت می‌دهد و محمد، به من شهادت می‌دهد و علی، به من شهادت می‌دهد و فاطمه، به من شهادت می‌دهد و حسن، به من شهادت می‌دهد و حسین، به من شهادت می‌دهد و علی بن حسین و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد، به من شهادت می‌دهند؛ با هزاران رویایی که مومنین دیدند. آیا شهادت و سخن و خیرخواهی آنان، نسبت به خودتان را نمی‌پذیرید؟ آیا ایشان به شما خبر ندادند که وقتی صاحب حق بیاید، بر ایشان اجتماع می‌کنند و ایشان (ع) فرمودند: «وقتی دیدید که بر مردی جمع شدیم، با سلاح به سوی ما بشتابید.» (غیبت نعمانی ص ۱۹۷)

می‌گویید: شیطان به شکل رسول الله، محمد (ص) می‌آید. «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا» (مریم ۸۹، ۹۰) «واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید. چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوهها به شدت فرو ریزند.» درحالی که خداوند فرمود: «وَ مَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ» (شعرا ۲۱۰، ۲۱۱) «و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند. و آنان را نسزد و نمی‌توانند.» وقتی شیطان نمی‌تواند حرفی از قرآن را به زبان

بیاورد، پس چگونه می‌تواند به شکل محمد (ص) بیاید؛ درحالی که ایشان، همه قرآن است.

«قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (مومنون ۸۸)
«بگو:» فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می‌دانید [کیست آنکه] او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود؟» ملکوت آسمان‌ها و زمین، به دست چه فردی است؟ با خداوند، انصاف را رعایت نکردید؛ به این خاطر که ملکوت را به دست شیطان قرار دادید و احترام رسول الله (ص) را از بین بردید. و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.

مردم را خوار می‌شمارید و به آنان می‌گویید: آیا رسول الله را دیدید تا ایشان را بشناسید؟ سبحان الله. آیا فردی در زمان امام صادق، رسول الله (ص) را دیده بود؟! تا اینکه امام صادق (ع) به ایشان بفرماید: فردی که می‌خواهد رسول الله را در رویا ببیند، فلان کار و فلان کار را انجام دهد. روایات در این مضمون، بسیار است. به دارالسلام و دیگر کتاب‌های حدیثی مراجعه کنید.

می‌گویید: رویا فقط بر صاحبش حجت است. در نتیجه شهادت و گواهی مومن عادل را رد می‌کنید. همو که رسول الله (ص) را در ملکوت آسمان‌ها دیده است که حق را به او بیان کرده است. پس چگونه است که شهادت او را در مسئله‌ای که در این جهان جسمانی دیده و شنیده است، می‌پذیرید؟ «تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَى» (نجم ۲۲) «در این صورت، این تقسیم نادرستی است.» در حدیثی از امام حسن عسکری (ع) است که پس از اینکه فضل بن

حارث، در خواب دید و سخنش را به ایشان عرض کرد، ایشان (ع) فرمود: «سخن ما در خواب، مانند سخن ما در بیداری است.» (سفینه البحار ج ۱۰ ص ۱۹۹)

آیا رسول الله (ص) ایمان خالد بن سعید اموی را نپذیرفت؟ به این خاطر که رویا دید. آیا رسول الله (ص) ایمان یهودی که موسی (ع) را دید، نپذیرفت و به او نفرمود: محمد، حق است؟ آیا امام رضا (ع) ایمان واقفیه را نپذیرفت؟ به این خاطر که رویاهایی دیدند که ایشان (ع) حق است؟ آیا امام حسین (ع) ایمان وهب نصرانی را نپذیرفت؟ به این خاطر که رویایی دید. آیا نرجس، مادر امام مهدی (ع) به خاطر رویایی که دید، نزد امام حسن عسکری نیامد؟ آیا، این طور نبود؟... و آیا این طور نبود؟....

ما برای خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. چقدر دنیا در کفه ترازوی شما، ارزشمند است؟ و چقدر ملکوت آسمان‌ها، نزد هواها و نظرات شما پست است؟ در حال امت‌هایی که با پیامبران‌شان گذشت، دقت کنید.

شما را نصیحت می‌کنم و انذار می‌دهم و صفحه حسین (ع) را برای دربی برای خیرخواهی خود می‌گشایم. امید است که عاقلی در میان شما باشد که به رشد خود باز گردد و خودش را از رفتن در دره جهنم باز دارد.

حسین (ع) فدای عرش خداوند سبحان و متعال است. اگر خون حسین (ع) نبود، دین الهی استوار نمی‌شد و دولت عدل الهی در آخرالزمان، برپا نمی‌شد.

امام حسین (ع) بیان کرد که دین الهی، فقط با خون پاکش استوار می‌شود.

اگر خون حسین (ع) که در کربلا ریخته شد، نبود، تلاش‌های پیامبران و فرستادگان از بین می‌رفت و تلاش‌های محمد (ص) و علی (ع) و فاطمه (ع) و حسن (ع) بی‌فایده می‌شد. و امامان از فرزندان حسین (ع) نمی‌توانستند پایه‌های دین الهی و ولایت الهی و حاکمیت خداوند سبحان و متعال را ثابت کنند.

و هر فردی که تلاش می‌کند حسین (ع) را صرف امامی قرار دهد که کشته شد تا مردم، برایش گریه کنند، در خون حسین (ع) شریک است و جزو افرادی است که در این زمان، تلاش می‌کند که حسین (ع) را بکشد.

حسین (ع) در کربلا، با تمام افراد ناپاک شیطان مواجه شد. حسین (ع) با حاکمانی مواجه شد که بر امت اسلامی چیره بودند و حاکمیت خداوند سبحان و متعال را از بین برده بودند. حسین (ع) با علمای بی‌عمل مواجه شده بود؛ شریح قاضی و شبت بن ربیع و شمر بن ذی‌الجوشن و افرادی مشابه آنان. خطرترین بخش‌های برخورد، همین بود؛ به این خاطر که آنان، لباس دین را پوشیده بودند و مردم را در این پندار انداخته بودند که شمشیر محمد (ص) را از روی ستم و دروغ، بر حسین (ع) کشیدند. و مدعی شدند که از روی دروغ و افترا، بر خداوند سبحان و متعال، نماینده دین الهی هستند. ایشان (ع) از آنان خبر داده است که بر ایشان شمشیری را وارد کردند که در دستانشان بود.

حسین در کربلا، با دنیا و زینت‌هایش مواجه شد. فقط عده اندکی که به عهد خداوند سبحان و متعال وفا کردند، دنیا را طلاق دادند و به کاروان حسین و کاروان پیامبران و فرستادگان پیوستند و سوار بر (مرکب) حقیقت و نور شدند.

حسین (ع) در کربلا، با منیت مواجه شد. سوارکار این مواجهه و برخورد، پس از حسین (ع) و بهترین فردی که در میدانش وارد شد، عباس بن علی (ع) بود؛ وقتی ایشان، آب را ریخت و از قرآن برداشت. «يُؤْتِرُونَ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر ۹) «و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدّم می‌دارند.» نیازمندی عباس (ع) چه نیازمندی بود و ایثار ایشان (ع) چه ایثاری بود؟ آیا ایثار بود یا مسئله‌ای است که کلمات در توصیف آن، قاصر و کوتاه هستند.

حسین (ع) در کربلا، با ابلیس (لع) دشمن قدیمی بنی‌آدم مواجه شد؛ همو که وعده داد که آنان را از راه مستقیم بیرون کند و آنان را وارد دره جهنم کند. حسین (ع) و یارانش در این مواجهه و برخورد، پیروز شدند.

اما حاکمان ستمکار را حسین (ع) کشت و باطل بودن حاکمیت مردم را با همه اشکال آن بیان نمود؛ می‌خواهد با شورای بین آنان باشد «انتخابات» یا با قرارداد از سوی مردم. حسین (ع) بیان نمود که حاکمیت، برای خداوند سبحان و متعال است؛ به این خاطر که ایشان است که مالک مُلک است. او حق دارد که نصب کند. سبحانه و تعالی. و بر مردم است که قرارداد او را بپذیرند و فردی که قرارداد خداوند سبحان و متعال را رد کند، از

پرستش خداوند سبحان بیرون رفته است؛ مانند بیرون رفتن ابلیس (خداوند لعنتش کند) وقتی بر قراردادن آدم (ع) به عنوان خلیفه خداوند در زمین اعتراض کرد و اطاعت و پذیرش او را رد کرد. ابلیس، شما را با صدایش به سوی خود نکشانند و با دردش، با شما دشمنی نکند. خداوند متعال فرمود: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران ۲۶) «بگو: «بار خدایا، تویی که فرمان‌فرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمان‌روایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمان‌روایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبیها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی.» اما حسین (ع) علمای بی‌عمل را رسوا کرد و پوشش پاک‌بودنِ باطل را از صورت تاریک بدبوی آنان برداشت. و موضع حسین (ع) در کربلا، ملاک و میزان حق و عدالت و توحید باقی ماند که هر فردی که می‌خواهد آن را در هر زمانی استفاده کند، استفاده کند تا از خلال آن، صورت‌های مسخ‌شده علمای گمراه بی‌عمل را از پشت پوشش پاک‌بودنِ باطل ببیند.

اما دنیا و زینت‌هایش را حسین (ع) و یارانش (ع) طلاق دادند و در کاروان حقیقت و نور الهی سوار شدند. این میزان و ملاک الهی است که حسین (ع) با خون پاکش در عمل و نه در سخن، آن را ثابت کرده است. ایشان (ع) با کارش بیان کرده است که دنیا و آخرت، دو هَوُو هستند که در قلب انسان جمع نمی‌شوند. وقتی یکی از آنها وارد قلب انسان شد،

دیگری بیرون می‌رود. و زمانی که انسان به سوی یکی از آنان برود، از دیگری دور می‌شود. فردی که خداوند سبحان و آخرت را می‌خواهد، چاره‌ای جز طلاق دنیا ندارد.

اما منیت، همین مسئله کفایت می‌کند که بخشش با جان، نهایت بخشش است. منیت در کربلا، به شکل کشتار بزرگی کشته شده است و انسانیت در کربلا، بر منیت پیروز شده است؛ پیروزی که میزان و ملاک الهی و عادل را ثابت کرده است که به هر صاحب حقی، حقش را می‌دهد؛ میزان و ملاک شهادت و گواهی که حسین (ع) و یارانش (ع) با خون‌شان شهادت دادند که «لا اله الا الله».

حسین (ع) در اتفاق کربلا، غل و زنجیر را در دستان و پاهای ابلیس (خداوند، لعنتش کند) قرار داد و سلاح را وارد سینه‌اش نمود. در نتیجه او در اثر اتفاق بزرگی که بر او فرود آمده است، در خونش می‌غلطد تا اینکه قائم، گردنش را در مسجد کوفه می‌زند.

حسین (ع) راه دولت عدل الهی را آماده کرده است و انگار حسین (ع) در کربلا سربریده شد، تا قائم (ع) از فرزندانش حکومت کند و انگار حسین (ع) فدای دولت عدل الهی و حکومت خداوند سبحان و متعال است. «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات ۱۰۷) «و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم.» این چنین شد که این فداشدن، روشن‌ترین نشانه‌های راه به سوی خداوند سبحان و متعال شد و علمای گمراهی بی‌عمل در طول تاریخ، نتوانستند که نسبت به حسین (ع) فریب بزنند یا او را مُندرس کنند. ایشان، پرچمی است که برای فردی که جوینده حق است، در آسمان تکان می‌خورد و خواهد خورد.

از صداهای خران، بر حسین (ع) ترس و واهمه‌ای نداریم. خداوند متعال فرمود: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (جمعه ۵) «مَثَلِ كَسَانِي كَه [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مَثَلِ خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد. [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.» و خداوند متعال فرمود: «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» (لقمان ۱۹) «بدترین آوازه‌ها، بانگ خران است.» یا بگو: علمای بی‌عمل که تصمیم دارند که حسین (ع) را فریب بدهند و می‌گویند: حسین، حاکمیت مردم را تأیید می‌کند؛ درحالی که هموست که به خاطر ازبین‌بردن حاکمیت مردم و اثبات حاکمیت خداوند سبحان و متعال کشته شده است. آنان، با عمل و کارشان و مدعی نمایندگی شدن از سوی حسین (ع) می‌گویند: ایشان برای آمریکا سر فرود می‌آورد و نرمی می‌کند؛ درحالی که ایشان (ع) فردی است که حقش گرفته شده است و حتی تا آخرین لحظات زندگی‌اش (ع) شمشیرش را مقابل ستم و فساد بالا آورد. می‌گویند: حسین (ع) آزادی و دمکراسی آمریکا را تأیید کرده است؛ درحالی که حسین (ع) بنده خداوند سبحان و متعال است و فقط پرستش خداوند سبحان و متعال را می‌شناسد و اینکه از دستورات و نواهی خداوند سبحان و متعال اطاعت کند.

این علمای بی‌عمل، نسبت به حاکمیت خداوند سبحان و متعال کفر ورزیدند و به دمکراسی (دمکراسی آمریکا) ایمان آوردند و آن را آزادی نامیدند.

حقیقتاً به شما می‌گویم: این علمای بی‌عمل، همان افرادی هستند که آزادی و دموکراسی آمریکا را تأیید می‌کنند. آزاد هستند و اگر بندگان خداوند بودند، از خداوند حیا می‌کردند.

آزادی که حسین (ع) و پدران و فرزندان پاک ایشان (ع) می‌شناسد، همان کفر به پرستش طاغوت و ایمان به پرستش خداوند سبحان و متعال است. «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره ۲۵۶) «پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، چنگ زده است.»

با خودتان انصاف داشته باشید و دل‌هایتان را به حکمت، نرم کنید.

در دستگیری و فریب‌دادن حسین (ع) همکاری نکنید. سینه‌زنی نکنید و گریبان ندرید و از روی ریا و دروغ و فریب، اشک نریزید. عزای حسین (ع) را برپا نکنید تا حسین (ع) را دوباره بکشید. مسئله‌ای را که انجام نمی‌دهید، نگوئید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف ۲، ۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گوئید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید.»

وقتی می‌خواهید عزای حسین (ع) را برپا کنید، باید پیش از اجسادتان، ارواحتان آن را دریابد و پیش از اشکانتان، باید خون‌گریه کنید. آیا نمی‌بینید که دنیا، پشت کرده است و آخرت، رو کرده است و بدترین و فاسدترین و ستمکارترین آفریده خداوند «آمریکا» و اذناب کافرشان، بر خشکی و دریا چیره شدند. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ»

أَيُّدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم ۴۱) «به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند.» احترام اسلام، از بین رفته است و در طول و عرض (به طور کلی) با اسلام دشمنی شده است. پس بعدش چه؟!!

اگر درحقیقت و به راستی، به حسین (ع) می‌گویید: ای کاش! با شما بودیم تا به رستگاری بزرگی برسیم، این حسین است که با فرزندش امام مهدی (ع) بین شما آشکار شده است. کارهای تان را جمع‌آوری می‌کند و تحت نظر دارد و منتظر یاری شماست و در میان شما، صدا می‌زند: «آیا ما را خوار می‌کنید و از یاری ما، روی گردان می‌شوید؟ خداوند برای ما کافی‌ست و بهترین وکیل است.» آیا با تقیه، از خوارکردن آل محمد (ع) بهانه می‌آورید؟ یا با ترس یا با اندک بودن تعداد و ابزار؟ آیا طالوت با اندک بودن تعداد و ابزارش، با لشگر جالوت نجنگید؛ با اینکه تعداد آنان بسیار بود و ابزارهایشان درشت بود؟ آیا محمد (ص) در بدر، با اینکه تعداد و ابزارشان اندک بود، نجنگید و خداوند سبحان و متعال آنان را یاری داد؟ آیا قرآن، در گوش تان فریاد نمی‌زند؟ «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره ۲۴۹) «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.»

ای افرادی که از یاری امام مهدی (ع) سر باز می‌زنید! آیا منتظر این مسئله هستید که با سفیانی (لع) وارث یزید بن معاویه (لع) در یک لشگر قرار بگیرید؛ پس از اینکه با دجال

اکبر «آمریکا» در یک صف قرار گرفتید؟ پس به آتش بشارت دهید که «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَحْجَارُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (بقره ۲۴) «سوختش مردمان و سنگها هستند، و برای کافران آماده شده، بپرهیزید.» چه می‌گویید؟ گریه کردیم و برای حسین (ع) سینه‌زنی کردیم. پاسخ حسین (ع) این‌گونه می‌آید: «شما جزو افرادی هستید که در خونم شریک هستید و فرزندم مهدی را کُشتید.» بعدش چه؟ آیا می‌گویید: کناری می‌ایستیم. پس پاسخ شما، این است: «خداوند، امتی را لعنت کند که این مسئله را شنید و نسبت به آن خشنود شد.» هر عاقلی به خودش بازگردد؛ چرا که فرصت‌ها، مانند ابرها می‌گذرد. اگر جوینده حق هستید، حسین (ع) را در این زمان یاری کنید و نترسید. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران ۱۳۹) «و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید.» از فردی که جسد را می‌کُشد، نترسید. بلکه از فردی بترسید که می‌تواند جسد و روح را با یکدیگر، در جهنم به هلاکت برساند.

اگر تصمیم شما، خوارنمودن حسین در این زمان است و اگر ستم به خودتان را انتخاب کردید، من شما را می‌ترسانم و به عذاب خداوند سبحان و متعال، در دنیا و آخرت انداز می‌دهم. هیچ عذری برای تان نیست و عذرآوری نیست.

من و پناه بر خداوند از منیت، به شتاب‌کردن عذاب و فرودآمدنش بر شما دعا نمی‌کنم؛ هرچند می‌بینم که بر شما سایه افکنده است. شکیبایی می‌ورزم؛ هرچند هزار سال باشد؛ تا اینکه خداوند، کاری را که باید انجام شود، انجام برساند. از شما، نزد خداوند شکایت

نمی‌کنم. بلکه نزد جدم، رسول الله (ص) شکایت می‌کنم؛ به این خاطر که به من وصیت کرد و نام و نسب و ویژگی مرا ذکر نمود. و نزد پدرانِ امامم (ع) شکایت می‌کنم؛ به این خاطر که مرا با نام و نسب و ویژگی و محل سکونت ذکر کردند. و نزد خون حسین، از شما شکایت می‌کنم که در کربلا، به خاطر خداوند و به خاطر پدرم (ع) و به خاطر من ریخته شده است.

از شما، نزد اشعیا و ارمیا و دانیال و عیسی و یوحنا ی بربری شکایت می‌کنم؛ به این خاطر که امر مرا، برای مردم زمین، پیش از سالیانی درازی بیان کردند. و از شما، نزد تورات و انجیل و قرآن شکایت می‌کنم که همه این مسائل را ذکر کردند. ولی شما، مرا خوار می‌کنید. من، زندگی شما را می‌خواهم و نجات و رهایی شما را می‌خواهم. پس به خاطر خودتان، به من کمک کنید.

خوشابحال فردی که خودش را بین دستان پروردگارش قربانی کرده است. خوشابحال فردی که از گردنه عبور کرده است. خوشابحال فردی که در من نلغزد. خوشابحال غریبانِ دیوانه‌ی نزد مردم زمین که نزد اهل آسمان، عاقلان هستند. من و پناه بر خدا از منیت، بنده فقیر مسکین و ذلیل بین دستان پروردگارم هستم که هر عاقلی را که جوینده حقیقت است، دعوت می‌کنم که تبری بردارد - همان‌طور که ابراهیم (ع) آن را برداشت - و همه بت‌هایی را که بجز خداوند پرستیده می‌شود، از بین ببرد. از جمله بتی که در وجودت است که همان منیت است.

اگر بسیار خدا را یاد کنی، بدان که هر چه بیشتر یاد کنی، جزو غافلین هستی؛ تا اینکه ولایت ولی خداوند را داشته باشی و جزو سجده‌کنندگان بشوی و اینکه کمتر به دنیا وابسته شوی. بدان: هر اندازه در دنیا زهد داشته باشی، حریص هستی تا اینکه از گردنه عبور کنی و گردنت از آتش دنیا و آخرت نجات یابد. «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَ مَا اُدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ» (بلد ۱۱، ۱۲) «و[لی] نخواست از گردنه بالا رود! و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟»

ابان ابن تغلب از ابو عبدالله (ع) که گفت: عرض کردم: فدایتان شوم. سخن خداوند: «و[لی] نخواست از گردنه بالا رود» ایشان فرمود: «فردی که خداوند، او را به واسطه ولایت ما کرامت دهد، از گردنه عبور کرده است و ما همان گردنه هستیم که فردی که از آن عبور کند، نجات می‌یابد. می‌گوید: ایشان ساکت شد و به من فرمود: آیا تو را به واسطه یک حرف سود برسانم که از دنیا و آنچه در آن است، برتر است. عرض کردم: بله. فدایتان شوم. ایشان فرمود: «آزادکردن بنده» سپس فرمود: همه بنده آتش هستند؛ مگر فردی بجز تو و یارانت که خداوند، گردن شما را از آتش، به واسطه ولایت ما اهل بیت آزاد کرده است.» (کافی ج ۱)

عیسی (ع) فرمود: «خوشابحال فردی که در من نلغزد.» خودت را بین دستان پروردگارت قربانی کن تا امروز و فردا، به جامی دست یابی که ابداً بعد از آن، تشنگی نیست. «إِنَّا

أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (کوثر، ۱، ۲) «ما تو را کوثر دادیم. پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن.»

امام رضا (ع) فرمود: «از پدرم موسی بن جعفر شنیدم که فرمود: از ابوجعفر بن محمد شنیدم که فرمود: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم، علی بن حسین شنیدم که فرمود: از پدرم، حسین بن علی شنیدم که فرمود: از پدرم، امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) شنیدم که فرمود: از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: از خداوند عزوجل شنیدم که فرمود: «لا اله الا الله» پناهگاه من است. هر فردی که وارد پناهگاه من شود، از عذاب من در امان می ماند. وقتی مرکب عبور کرد، ما را صدا زد: با شروطش و من از شروطش هستم.» (عیون اخبار الرضا (ع) ص ۱۴۵)

و حقیقت را به شما می گویم: و من از شروطش هستم.

با نام امام مهدی (ع) نزد شما آمدم و خواستار اراده خودم نیستم. بلکه اراده فردی که مرا فرستاده است. بزرگی خودم را نمی خواهم. بلکه بزرگی او را.

هر فردی مرا نپذیرد، پدرم که مرا فرستاده است، نپذیرفته است.

حقیقت را به شما می گویم: فردی که به فرزند احترام نگذارد، به پدری که او را فرستاده است، احترام نگذاشته است.

پدرم امام مهدی (ع) به من دستور داده است که این کلمات را بیان کنم: «من سنگی در
دستان علی بن ابی طالب (ع) هستم که آن را در روزی انداخت تا کشتی نوح (ع) را به
واسطه‌اش هدایت کند و یکبار تا ابراهیم را از آتش نمرود نجات دهد و یکبار تا یونس را
از شکم ماهی نجات دهد. به واسطه‌اش، با موسی بر طور سخن گفت و آن را عصایی قرار
داد که دریا را شکافت و سِیر داود (ع) که در اُحد، به واسطه‌اش سپر پوشید و آن را با
دستش، در صفین پیچید.»

هر فردی گوش دارد، بشنوند: این دابة الارض و جنبه زمین است که با مردم، سخن
می‌گوید. این علی ابی ابی طالب (ع) است که باید بیاید.

«وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا
يُوقِنُونَ» (نمل ۸۲) «و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبه‌ای را از زمین برای
آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنانکه باید] به نشانه‌های ما یقین
نداشتند.»

خدایا گواهی بده که من رساندم. خدایا گواهی بده که من رساندم. خدایا گواهی بده که من
رساندم.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَصِّ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَ
ذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ وَ
كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا

أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَلَنَسْتَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْتَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ فَلَنَقْصُنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ
 مَا كُنَّا غَائِبِينَ وَالْوِزْنَ يُؤَمِّدُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ خَفَّتْ
 مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
 جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ
 اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ
 قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ
 فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ قَالَ فَبِمَا
 أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ
 وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
 لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» (اعراف ۱ - ۱۸) «الف، لام، میم، صاد. کتابی است که به سوی
 تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله
 آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما
 فرو فرستاده شده است، پیروی کنید؛ و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید. چه اندک
 پند می‌گیرید! و چه بسیار شهرها که [مردم] آن را به هلاکت رسانیدیم، و در حالی که به
 خواب شبانگاهی رفته یا نیمروز غنوده بودند، عذاب ما به آنها رسید. و هنگامی که عذاب
 ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند: «راستی که ما ستمکار بودیم.» پس، قطعاً
 از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود]
 فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید. تو از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما [از

احوال آنان] غایب نبوده‌ایم. و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. پس هر کس میزانهای [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگارانند. و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند. و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم، و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم، [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید. و در حقیقت، شما را خلق کردیم، سپس به صورتگری شما پرداختیم؛ آنگاه به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» پس [همه] سجده کردند، جز ابلیس که از سجده‌کنندگان نبود. فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.» فرمود: «از آن [مقام] فرو شو، تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.» گفت: «مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی.» گفت: «پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست.» آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.»

راه ارتباط با دعوت یمانى موعود سید احمد الحسن

(ع) به زبان فارسی:

لینک سایت رسمی انصار امام مهدی (ع) به زبان فارسی

<http://almahdyoon.co>

لینک سایت رسمی هفته نامه ی **زمان ظهور**

<http://www.zamanezohoor.com>

آدرس روم مسنجر انصار امام مهدی (ع) در پالتاک

Paltalk > Asia and pacific > Iran > lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

<https://www.facebook.com/ALnajafALashraf313>